

بیت الحکمه و نقش آن
در
تحول علوم و پیشرفت تمدن اسلامی

مؤلف

سید ابوتراب سیاهپوش



بزمستانگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۰

سرشناسه: سیاهپوش، سیدابوتراب، ۱۳۳۰-

عنوان و نام پدیدآور: بیت الحکمه و نقش آن در تحول علوم و پیشرفت تمدن اسلامی/ابوتراب سیاهپوش

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۲۸۲ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۴۷۹-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: واژه‌نامه

موضوع: بیت الحکمه(عراق)

موضوع: دانش و دانندگی اندوزی اسلامی

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ردمبندی کنگره: ۱۳۸۹ ب۹س/۲۲۹/۲ BP

ردمبندی دیویی: ۳۹۷/۴۸۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۹۶۹۲۳



بیت الحکمه و نقش آن در تحول علوم و پیشرفت تمدن اسلامی

مؤلف: سید ابوتراب سیاهپوش

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: ناصر زعفرانیچی

ویراستار: مهوش تکلیف

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی‌زارع

امور فنی: امیر خرم

حروف چین و صفحه آرا: مژگان محبوب

طرح و اجرای جلد: اعظم صادقیان

چاپ اول: ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: فرشپوه

ردیف انتشار: ۵۷-۸۹

بها: ۶۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۴۷۹-۵ ISBN 978-964-426-479-5

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۳۶۸۹۱۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

فهرست مطالب

فصل اول	۱
مقدمه	۳
کلیات	۱۱
بین‌النهرین، آتن و اسکندریه، انتاکیه، ادسا، نصیبین و جندی شاپور	۱۵-۵۰
فصل دوم	۵۱
رویکرد مسلمانان به ترجمه و اخلا علوم	۵۳
فصل سوم	۶۷
نهضت ترجمه	۶۹
مسئله ترجمه	۷۴
مترجمان و مؤلفان	۷۹
روش ترجمه	۱۰۷
فصل چهارم	۱۱۷
بیت الحکمه	۱۱۹
خاستگاه و منشأ بیت الحکمه	۱۲۴
صاحبان بیت الحکمه	۱۴۱
بیت الحکمه در دوران هارون و مأمون	۱۴۶
بیت الحکمه و ترجمه، تألیف، تفسیر، تصحیح، نقد و بازنگری ترجمه‌ها	۱۵۰
بیت الحکمه به منزله فرهنگستان علوم	۱۵۲

بیت الحکمه و خزانه الحکمه	۱۶۰
دارالعلم و دارالحکمه	۱۶۶
اهداف و فعالیت های دارالعلم ها و دارالحکمه	۱۷۲
فصل پنجم	۱۹۷
بیت الحکمه و پیشرفت تمدن اسلامی	۱۹۸
نتیجه گیری	۲۲۰
منابع	۲۴۳
نمایه	۲۶۳

فصل اول

www.ketab.ir

مقدمه

موضوع این طرح به بحثی در خصوص "بیت الحکمه" و تمدن اسلامی بازمی‌گردد، که چند سال پیش در یونسکو، مطرح شد و جمعی از استادان تاریخ علم از کشورهای گوناگون، و از ایران دکتر نصرالله پورجوادی در آنجا شرکت داشتند. اعضای شرکت‌کننده، پس از چند روز بحث و مذاکره درباره این مرکز علمی و شناخت آن، پیشنهاد، "طرحی تحقیقاتی" را ارائه دادند. جزییات بحث‌ها و گفت‌وگوها و ابعاد طرح و هزینه‌های آن، و اینکه چند کشور با هم عهده‌دار اجرای آن شوند، به صورت پیش‌درآمدی به تصویب اعضای جلسه رسید. به یاد دارم کشور ما در این خصوص عکس‌العمل سریع و نسبتاً تندی نشان داد و مدعی شد، اگر قرار باشد، کشوری در این باره به کار پژوهشی و به صورت "طرح تحقیقاتی" بپردازد، ایران است.

حتی در شورای عالی انقلاب فرهنگی، در همان روزها به بحث گذاشته شد و مسئولان و علاقه‌مندان فرهنگی کشورمان هم بلافاصله از آن استقبال کردند این موضوع مانند هر موضوع داغی به روزنامه‌ها کشیده شد و تب و تاب آن یک هفته‌ای در مجامع فرهنگی و علمی، مانند خیلی چیزها که با هیجان و احساسات شروع می‌شود ولی به سرعت فروکش می‌کند، بالا بود.

در همان روزها پیشنهاد نوشتن مقاله‌ای سریع از سوی یکی از دستگاههای فرهنگی به اینجانب داده شد ولی از آنجا که نگارنده هیچ وقت در این‌گونه کارها تعجیل نکرده و از شتابزدگی همیشه پرهیز داشته‌ام، موضوع متفی شد. اما این طرح همچنان در ذهنم بود تا روزی که پیشنهاد پژوهشی، جامع در خصوص "بیت الحکمه" را به شورای محترم پژوهشی، پژوهشگاه تقدیم کردم. قبلاً مطالعات مقدماتی را در این خصوص آغاز کرده بودم و به بررسی دو یا سه مقاله انتشار یافته

در این باره و اشارات ارزشمندی که در برخی از کتابها به این نهاد شده بود، ولی ابهامات و مسائل آن همچنان باقی مانده بود، پرداختم؛ هنگامی که رسماً شروع به تهیه منابع معتبر و تقسیم‌بندی اسناد مطالعاتی و لوازم کار کردم و قدری جلوتر رفتم بیش از پیش به پیچیدگی طرح و ابعاد وسیع آن پی بردم. هرگز تصور نمی‌کردم با دست خود تکلیفی سنگین را تدارک دیده باشم. همه را به گردن کمبود منابع نمی‌گذارم، منابع کم نبود، ولی بسیار پراکنده و برخی متضاد بود. باید از دل صدها کتاب و منبع انگلیسی، فارسی، عربی و حواشی آثار، راهی به سوی اینکه سرانجام خاستگاه این مرکز کجاست؟ انگیزه تأسیس آن چیست؟ چه سالی تأسیس شده، چه شخصی یا اشخاصی بانی تأسیس آن بوده‌اند؟ پیدا می‌کردم. باید مشخص می‌کردم "بیت الحکمه" و "خزانة الحکمه" چیست؟ اگر یکی است چرا در برخی از منابع خزانة الحکمه آمده و در منابعی دیگر بیت الحکمه و یا در یک اثر، هم بیت الحکمه آمده و هم خزانة الحکمه، بدون آنکه نویسنده از خود تفاوت آنها را سؤال کرده باشد؛ بدیهی است رکن اصلی و مهم طرح، حجم و نوع فعالیت‌ها و مؤلفان، مترجمان و مصححان آن بود. به عبارت واضح‌تر باید مشخص می‌شد آیا در این مرکز فقط کار نقل و تدوین صورت می‌گرفته و یا ترجمه، تألیف و تصحیح؛ آیا کار نقد و تفسیر هم در این نهاد جایی داشته یا خیر؟ نگارنده با این مسائل و ده‌ها مسئله دیگر از یک سو و آرا و نظریاتی به شدت مخالف و متضاد از سوی صاحب‌نظران مواجه بود. برخی که تعداد آنها نیز کم بودند، تا حد انکار چنین مرکزی پیش رفته‌اند، عده‌ای هم اساساً تمدن اسلامی را مدیون این نهاد می‌دانند. جورج سارتون درباره بیت الحکمه چنین اظهار کرده است: «مأمون در بغداد نوعی فرهنگستان علوم موسوم به بیت الحکمه دایر کرد که شامل کتابخانه و رصدخانه بود. از زمان موزیوم اسکندریه (نیمه اول سده سوم قبل از میلاد) به بعد، این مهم‌ترین اقدام در این زمینه به شمار می‌رفت.» ابن خلدون در شأن این نهاد، بر این اعتقاد بود که «اسلام آن بیداری علمی را که در همه جا پدید آورد به بیت الحکمه مدیون است.» دکتر نصر «ترجمه تقریباً تمامی آثار علمی و فلسفی یونان به عربی را که زمینه جذب آثار علمی یونان را به جهان اسلام فراهم کرد، منسوب به این مرکز می‌داند.» ما به تمامی نظرهای موافق و مخالف به طور کامل در

طرح پرداخته‌ایم، در اینجا از تکرار آنها پرهیز می‌کنیم.

به هر حال، مشکلات کار نگارنده چند نوع بود. یکی از آنها ترجمه مخدوش و مبهم برخی از کتابها به فارسی بود؛ و لذا تلاش می‌کردم متن مؤلف (انگلیسی، عربی) را پیدا کنم و پس از ترجمه آن قسمت مشخص، منظور مؤلف را دقیقاً دریابم. مشکلات این چنینی کم نبود و وقت زیادی از نگارنده گرفت. به عنوان نمونه، برای اینکه بدانم محمد بن موسی خوارزمی به طور تمام وقت یا پاره وقت در بیت الحکمه مشغول کار بوده، (چون مترجم مخاطب را بلامتکلیف گذارده)، پس از آنکه متن انگلیسی کتاب را پیدا نکردم، سرانجام به متنی عربی از کتابی دیگر دسترسی پیدا کردم تا مشخص شد او تمام وقت در بیت الحکمه اشتغال داشته است. ما عیناً برای نشان دادن دشواری کار، متن ترجمه شده را از اثری که مؤلف آن از مخالفان بیت الحکمه است، ولی به رغم مخالفت به نکات ارزنده‌ای در خصوص بیت الحکمه اشاره کرده است، می‌آوریم. اما ترجمه آن متن، بدین قرار است: «یگانه گزارشها درباره بیت الحکمه در دوران حکومت مأمون بیان می‌کند که محمد بن موسی خوارزمی جبردان و اخترشناس به طور تمام وقت (کذا، Full-time = منقطعاً ؟ = پاره وقت) در آن در خدمت مأمون به کار اشتغال داشت» (وکان منقطعاً الی خزانه الحکمة للمأمون [فهرست، ص ۲۷۲، ص ۲۴]، و یحیی بن منصور، نیز اخترشناس، در آن در کنار سه بنوموسای جوان مقامی داشت [تاریخ الحکما، ص ۲ - ۴۴۱]؛ این نخستین اشاره در منابع اندک ماست که اشخاصی مشغول در کارهایی غیر از مطالعه و ترجمه میراث ساسانی در بیت الحکمه به کار اشتغال داشتند یا به آن وابسته بودند.»

یکی دیگر از مشکلات، پیدا کردن اظهارنظر محققى برجسته به نام Ernest Deaz درباره بیت الحکمه بود، که از سوی محققى دیگر که در اثرش، صرفاً به نام آن شخص اشاره شده است. به عنوان نمونه در اثری اشاره شده بود که Ernest Deaz تحقیقات ارزنده‌ای درباره بیت الحکمه کرده است؛ نگارنده، حتی الامکان آثار Deaz را که احتمال می‌دادم درباره بیت الحکمه نکته‌ای یا مطلبی آمده باشد، تا چند روز وقت صرف جست و جو می‌کردم، ولی متأسفانه چیزی درباره این نهاد پیدا نکردم؛ جالب است در مقاله دیگری از سوی نویسنده‌ای، درباره تمدن اسلامی

باز هم به تحقیقات Deaz درخصوص بیت الحکمه اشاره شده بود، ولی دریغ از یک سطر مطلب در مورد این نهاد.

نکته دیگر اگرچه ارزشمند بود محتاج به تأمل و صرف وقت داشت. اینکه برخی از دوستان دانشمند که در جریان طرح پژوهشی نگارنده بودند، ندا می دادند که مقاله ای در این هفته در فلان مجله یا ماهنامه خوانده اند که به شدت به موضوع "طرح شما" حمله کرده است و آن را توطئه ای در صدر اسلام، برای به انحراف کشاندن دین دانسته است. علی ای حال اینجانب مصمم تر و با توکل به خدا به کار خود ادامه می دادم؛ و فرصتی فراهم می شد تا منابع بیشتری را مطالعه و بررسی کنم.

یکی دیگر از پیچیدگیهای کار، تعداد بی شماری نام اشخاصی بود که در متون گوناگون به اسامی آنها و کتابهایشان و اینکه شاگرد فلان مترجم بوده و یا در حلقه درس و ترجمه شخص دیگری شرکت می کرده اند اشاره شده بود، که برخی از محققان تیزبین هم به سادگی از اشتباهی که در نام و نشان و کتابهای این اشخاص بروز کرده بود، عبور کرده اند، عده ای هم از جمله سارتون مخاطب را در جریان قرار می داد، برای نمونه، در چندین جا نام علی بن عیسی و عیسی بن علی، یحیی بن علی، علی بن یحیی و ده ها نام و عنوان نزدیک به هم می آمد. سارتون می گوید: «معلوم نیست علی بن عیسی کدام یک از آنهاست که شاگرد حنین در رشته طب بوده است؟» و یا درباره ابوسهل اسماعیل بن علی نوبخت که از بزرگان شیعه و از متکلمان است و ابوالحسین ناشی^۱ او را استاد خود می دانست، می گوید: «استادم، درباره قائم آل محمد (علیه السلام) نظراتی داشت که کسی بر او سبقت نجسته»، با سهل بن نوبخت صاحب کتاب النهمطان و فضل بن ابوسهل از منجمانی که در بیت الحکمه به کار ترجمه از فارسی به عربی اشتغال داشت، اشتباه گرفته اند. از این نوع اشتباه ها فراوان بود. و یا در جایی نویسنده ای کتابی را مجعول می داند، و لذا باید ابتدا منبع آن را مشخص کنم و خود شخص را به لحاظ اینکه در چه اندازه ای از توانایی و تشخیص و اهلیت علمی است ارزیابی کنم که هویت کتاب را زیر سؤال برده و سپس در فهرست ابن الندیم که منبع نزدیک به بیت الحکمه است

نام کتاب و مؤلف آن را جست‌وجو کنیم، تا از بلا تکلیفی خارج شده، کار را ادامه دهیم. شاید گاهی برای این قبیل اشتباهات که نمونه آن در اظهار نظر شبکی در خصوص کتاب الحیده فیما جری بینہ و بین یسر المریسی متعلق به عبدالعزیز کنانی، که شبکی آن را مجعول می‌دانست، به دلیلی که اشاره خواهیم کرد، حایز ارزش بود.

اهمیت این کتاب به خاطر بیان کشمکش‌هایی است که در "بیت الحکمه" بین طرفداران و مخالفان معتزله در حضور مأمون پیش آمد. مسئله مهم برای نگارنده در این خصوص این است که مرحوم العیش رئیس کتابخانه فرانسوی دمشق به جعلی بودن کتاب از شبکی اشاره کرده، به آن اعتراض دارد و منبع کتاب را هم مؤسسه‌ای به نام "الظاهریه" * می‌داند، در حالی که با اندک جست‌وجویی نام کامل کتاب و اسم و مشخصات مؤلف آن یعنی عبدالعزیز کنانی را می‌توانست در فهرست ابن الندیم پیدا کند.

نگارنده معتقد است برای شناخت بیت الحکمه باید تمدن بین‌النهرین (عراق، بابل)، هند، چین، یونان و به ویژه هلنسم را خوب بشناسیم. اگرچه بیت الحکمه^۱ یک مرکز علمی، و به قول سارتون و دیگران فرهنگستان علوم با آکادمی با ابعاد و وسعت و امکانات و مترجمان، مؤلفان، رصدکنندگان، مفسران، نسخه‌پردازان، صحافان، کارکنان و... بود،^۲ ولی مهم‌تر از آن، اسباب تلاقی جریان‌های تمدنی از ملل گوناگون را در بغداد فراهم کرد. این جریان با بیش از هزار سال پشتوانه علمی، با ظهور اسلام به امر تجارت آزاد و برداشتن مرزهای میان شرق و غرب و تبادل اندیشه‌ها و روشها انجامید.

به عبارت دیگر، عناصر تمدن‌های گوناگون در حوزه تمدنی اسلام متحول شد. به همین لحاظ نگارنده ضروری دید به چگونگی تأسیس عناصر تمدن‌های اولیه در بین‌النهرین و ساختار اجتماعی برخی از مناطق و شهرها به لحاظ اینکه نقش جدی در شکل‌گیری تمدن‌های پس از خود داشتند، اشاره کوتاهی داشته باشد؛ و سپس تأملی در عناصر فرهنگی که غالباً خاستگاه و ریشه آن را یونان (اژه، مسینا، کرت،

* مراد کتابخانه ظاهریه دمشق باشد که مخطوطات ارزشمند بسیاری در آن موجود است.

۱. سارتون، جورج. مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، ص ۱۱۸۹.

۲. صفا، ذبیح... تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، جلد اول، صص ۴۹ و ۵۰.

آتن... می‌دانند، بیفکند؛ اگرچه برخی هم معتقدند، اساس این عنصر تمدنی (هلنی) را باید در بین‌النهرین جست‌وجو کرد، زیرا آن "انضباط"، یعنی رکن اصلی هلنیسم و نوعاً مختصات "پولیس" و فالانکس (نیروی سپاهی)، تقسیم‌کار کشاورزی و فنون آبیاری و تولید... بی‌شبهت به عناصر جامعه بین‌النهرین نبوده است.

آمیزش و التقاط هلنیسم با عناصر تمدنی ملل دیگر اعم از مصر (اسکندریه)، سوریه، هند و چین و برخی نواحی مانند انطاکیه... و سرانجام ایران ساسانی با فتوحات اسلام، جذب آن شد و نهضت علمی و فرهنگی گسترده‌ای را در بخش وسیعی از جهان آن روزگار فراهم کرد که تا سده پنجم هجری / یازدهم میلادی ادامه یافت؛ ولی غلبه عنصر ترک بر دستگاه خلافت و حاکمیت اهل تسنن و تأسیس نظامیه‌ها و حمله مغول اسباب تعطیلی حیات علمی و نشاط فرهنگی را سبب شد. اما نکته آخر، تأثیرات میراث کلاسیک و تمدن اسلامی در "علم جدید" است؛ موضوعی که موافقان و مخالفانی دارد و خود محتاج طرح پژوهشی بزرگ و جذابی خواهد بود، که به مناقشه دامنه‌داری تبدیل شده است. هر دو طرف مناقشه دلایلی برای اثبات نظر خود اقامه کرده‌اند؛ ما به هیچ وجه وارد این بحث نمی‌شویم، بلکه با اشاره کوتاهی به این مقدمه پایان می‌دهیم.

مخالفان مدعی‌اند بین "علم جدید" و سنت علمی ارتباطی وجود ندارد، "انقلاب علمی" قرن شانزدهم و هفدهم نتیجه رشد یا بسط سنت علمی سده‌های میانه نبود، بلکه یک "جهش" فکری و عقلانی بود که به دنبال "انحلال" و نابودی، جهان‌بینی سده‌های مذکور پدید آمد، زیرا علم جدید به "روش‌شناسی" و کار تجربی "آزمایشگاهی" و "کمی" مجهز بود، و از فرضیه‌پردازی، پرهیز داشت؛ ولی علم کلاسیک، دانشمندان اسلامی و سده‌های میانه از این عناصر بی‌بهره بوده، بیشتر به فرضیه‌پردازی اشتغال داشته‌اند. به نظر می‌رسد این نوع آرا بی‌انصافی است، زیرا در قرن شانزدهم و هفدهم مجموعه‌ای از عوامل بسیاری، اعم از علم سده‌های میانه و حتی پیش از اسلام به اضافه "روش علمی" و "آزمایشگاهی" و "تحولات مابعدالطبیعی"... و سفرهای دریایی... منجر به علم جدید شد.

ضروری است یادآور شویم، دورانی که غرب در "خواب هزار ساله" و "اغمای

علمی" به سر می‌برد، رازی از صبح تا شب، بی‌وقفه در آزمایشگاه به آزمایش مشغول بود، خوارزمی به ریاضیات و اخترشناسان به رصد کردن اشتغال داشتند و تحقیقات ابن یونس و به ویژه ابن هیثم روش‌مند بود. مگر می‌شود دستاوردهای طبی ابن سینا را که در سده‌های دوازدهم و بعد در مدرسه طبی "سالرنو" جزو برنامه‌های درسی و آموزشی قرار گرفت نفی کرد و تأثیر او بر توماس آکوئیناس و دیگران را از یاد برد و نفوذ اندیشه مترقی فیلسوف و فقیه برجسته ابن رشد را بر لاتینیان قرون وسطی به دست فراموشی سپرد؛ کتاب *ادویه مفرده* دیوسکوریدوس و سنت داروشناسی مندرج در آن با توصیف حدود نهصد گیاه، جانور و مواد معدنی که خاصیت درمانی داشت، یکی از دستاوردهای ماندنی پزشکی دوره هلنی مآبی است.

سرانجام انبوهی از آثار ترجمه شده جرار دوکرمونیا و همکاران او از عربی به لاتین، بدون تردید در "علم جدید" مؤثر بوده است. نادیده گرفتن دستاوردها و چشم بستن و خط بطلان برگزیده کشیدن، مثل کاری که فرانسیس بیکن کرده، کاری غیرمنصفانه است. او اظهار می‌دارد: «از دانشمندان مسلمان و از دانشمندان اهل مدرسه نباید نامی برد، زیرا، آنان با مبالغی کلیر از رسالات و کتابها به عوض آنکه بر وزن و سنگینی علوم بیفزایند، آنها را خرد کردند.»^۱

ما در فصل پایانی این پژوهش اشاره کوتاهی به این موضوع خواهیم کرد. در این مقدمه سپاسگزاری از برخی عزیزان در حکم ادای واجب است. راهنمائیها و نکته‌های ارزشمند دوست نازنین و فرهیخته، کامران فانی را از صمیم قلب سپاسگزارم.

زحمات استاد برجسته و سرور عزیز جناب آقای دکتر هادی عالم‌زاده که مطالعه این اثر را تقبل کردند و لغزش‌های مرا یادآور شدند، قدرگذارم. راهنمائیهای برادر گرامی و دوست صمیمی، قرآن پژوه و حافظ پژوه نامدار استاد بهاء‌الدین خرمشاهی را ارج می‌نهم.

۱. لیندبرگ، دیوید. سی. *سرآغازهای علم در غرب*. ترجمه فریدون بدره‌ای. ص ۴.